

تحقیقات مهاجرت داخلی در ایران: مرور حیطه‌ای

سعیده شهبازین^۱، رسول صادقی^{۲*}، مریم رضایی^۳

چکیده

پژوهش‌های متعددی در چند دهه اخیر به بررسی ابعاد و پیامدهای مهاجرت داخلی در ایران پرداخته‌اند. این مقاله با بهره‌گیری از روش مرور حیطه‌ای و چارچوب آرکسی و املی به بررسی پژوهش‌های مهاجرت داخلی در ایران در سه دهه اخیر پرداخته و در تلاش است تا تصویری از ویژگی‌ها، تعیین‌کننده‌ها و پیامدهای مهاجرت ارائه دهد. نتایج بیانگر تسلط روش‌های کمی و داده‌های پیمایشی در پژوهش‌های مهاجرت است. بیش از نیمی از پژوهش‌ها بر مهاجرت‌های روستا به شهر و حدود یک پنجم بر جریان‌های مهاجرتی و پیامدهای آن به استان تهران متمرکز بوده‌اند. همچنین، بیش از ۵۲ درصد پژوهش‌ها، عوامل و بسترهای تعیین‌کننده مهاجرت داخلی، ۳۱ درصد تبعات و پیامدهای مختلف مهاجرت بر مهاجران و مبادی و مقاصد مهاجرتی، ۱۳ درصد روندها و الگوهای مهاجرت و در نهایت ۳ درصد ویژگی‌های جمعیتی مهاجران داخلی را بررسی کرده‌اند. علاوه بر نتایج نشان داد که توسعه نابرابر، تمرکزگرایی امکانات و فرصت‌های اقتصادی و آموزشی، تغییرات اقلیمی، تفاوت‌های درآمدی، دستیابی به شغل، و شبکه‌های اجتماعی از جمله مهمترین عوامل زمینه‌ساز مهاجرت داخلی در ایران می‌باشند. با این حال، حوزه مهاجرت داخلی در کشور نیازمند استفاده از شاخص‌ها و معیارهای جدید برای مقایسه‌های بین‌المللی، پرداختن به ابعاد و الگوهای نوپدید مهاجرت و بهره‌گیری از روش‌های کیفی است.

واژگان کلیدی: مهاجرت داخلی، مرور حیطه‌ای، الگوهای مهاجرت، علل مهاجرت، چارچوب آرکسی و املی.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۳

۱ استادیار گروه پژوهشی مهاجرت و شهرنشینی، موسسه تحقیقات جمعیت کشور

saeedehshahbazin2@gmail.com

۲ دانشیار گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، و پژوهشگر موسسه تحقیقات جمعیت

کشور (نویسنده مسئول) rassadeghi@ut.ac.ir

۳ دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران maryrezaei92@gmail.com

DOI: <https://dx.doi.org/10.22034/jpai.2022.539684.1200>

مقدمه و بیان مسأله

مهاجرت داخلی از عناصر عمده تغییر فرایندهای جمعیتی و مکانیسم اصلی توزیع و بازتوزیع جمعیت طی زمان به شمار می‌رود (گرین‌وود^۱، ۱۹۹۷). از زمان اولین کار علمی راونشتاین^۲ (۱۸۸۵)، جابجایی و مهاجرت افراد بین مناطق مختلف، به‌عنوان پدیده‌ای پیچیده که عمدتاً جنبه‌های جمعیت‌شناختی و اقتصادی را شامل می‌شود، مورد مطالعه قرار گرفته است. مهاجرت، پدیده اجتماعی و اقتصادی است که از سویی نتیجه و برآیند مجموعه پیچیده‌ای از عوامل اجتماعی - روانشناختی، اقتصادی و سیاسی است که همزمان نه تنها بر حجم و رشد جمعیت، بلکه تأثیرات قابل ملاحظه‌ای در ساخت و توزیع جمعیت نیز برجای می‌گذارد. این پدیده به‌عنوان یکی از عوامل اصلی پویایی جمعیت و مهمترین عامل خارجی تغییر در ساختار سنی و جنسی و رشد سالانه جمعیت، بنا بر ذات و ماهیت خود، به صورت همزمان عامل تغییرات اجتماعی و اقتصادی زیادی در مناطق مبدأ و مقصد است (کلیگت^۳، ۲۰۰۰). در سال‌های اخیر با شدت گرفتن و افزایش حجم جابجایی‌های جمعیتی چه در داخل و چه در خارج از کشور، تأثیر مهاجرت بر مناطق مهاجرپذیر و مهاجرفرست، تشدید گردیده است.

به دنبال تغییر و تحولات گسترده در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، حمل و نقل، ارتباطات و تکنولوژی در سطح دنیا، جابجایی و مهاجرت سرعت و گسترش بیشتری پیدا کرده است، با ظهور کلانشهرها و مناطقی با تراکم جمعیتی بالا و از طرفی تحرک و جابجایی دائمی در سطح شهرها و روستاها و با توجه به تأثیر آن بر عوامل مرتبط با پویایی جمعیت در مبدأ و مقصد، مطالعه و تحلیل دقیق آن در مناطق مختلف یک سرزمین، ضرورتی انکارناپذیر به نظر می‌رسد. تلاش در جهت ارائه سیمای روشنی از تغییرات جمعیتی و در نتیجه ایجاد توان کارایی بیشتر برای برنامه‌ریزی‌های ملی و منطقه‌ای، موجب شکل گرفتن طیف وسیعی از مطالعات مهاجرتی شده است. با این وجود، به دلیل محدودیت در دسترسی به داده‌ها و نیز مشکلات و نواقصی که

1 Greenwood

2 Ravenstein

3 Cliggett

در آن‌ها وجود دارد، موضوع مهاجرت، در مقایسه با باروری و مرگ‌ومیر، کمتر مورد توجه در مطالعات جمعیتی بوده است. شاخص‌های خلاصه‌کننده محدودی برای مهاجرت‌های داخلی وجود داشته است؛ در سالنامه‌های جمعیتی سازمان ملل جداول طبقه‌بندی کشورها برحسب میزان‌های مهاجرت‌های داخلی برخلاف باروری و مرگ‌ومیر وجود ندارد (راجرز و کاسترو^۱، ۱۹۸۱؛ نس^۲، ۲۰۱۲).

کشور ایران نیز از جریان‌های مهاجرت داخلی به دور نبوده است و قسمت مهمی از تاریخ و تمدن ایران ره‌آورد همین مهاجرت‌ها و ساخته مهاجران است (زنجانی و علیزاده‌آهی، ۱۳۷۲). از دوره‌های اولیه تاریخ ایران، مهاجرت وجود داشته و تا امروزه شاهد تداوم این جریان هستیم. مهاجرت داخلی کشور بیشتر از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ انجام می‌شده است. به ویژه در چند دهه اخیر به دنبال اجرای اصلاحات ارضی و تبدیل نفت به مهم‌ترین منبع مازاد اقتصادی در سطح ملی و همچنین کاهش نقش کشاورزی در تولید داخلی و صادرات، رابطه متعادل شهر و روستا دچار دگرگونی شده و شهرها به مکانی برای تمرکز مازاد اقتصادی ملی، گسترش زیرساخت‌های صنعتی - مالی و مراکز اصلی اشتغال نیروی کار دستمزدی به خصوص برای روستائیان تبدیل شده‌اند. عدم تناسب جمعیت شهرهای بزرگ با امکانات زیرساختی، وجود بیماری ماکروسفالی شهری، تمرکز جمعیت کشور در مناطق خاصی از کشور، رکود توسعه‌ای برخی از استان‌های کشور به دلیل از دست دادن نیروی کار جوان به دلیل مهاجرت، سالخوردگی اجتماعات روستایی و ... بخشی از پیامدهای نامطلوب توزیع نامتوازن جمعیت در کشور است. باتوجه به پیامدهای مهاجرت برای کشور و تأثیر آن بر برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های کشور، این پدیده همواره مورد توجه محققان و اندیشمندان علوم مختلفی قرار گرفته است و از زوایای مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. با این وجود باتوجه به ماهیت چندبعدی مهاجرت هنوز ابعاد زیادی از این پدیده مورد بررسی قرار نگرفته است. باتوجه به اهمیت شناخت هرچه بیشتر و جامع‌تر مهاجرت‌های داخلی به عنوان یک ضرورت در

1 Rogers & Castro

2 Ness

برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های کاربردی کلان و منطقه‌ای، شناسایی خلأ و کمبودهای تحقیقاتی در این زمینه ضروری است. اولین گام در جهت رسیدن به این مهم، مرور حیطه‌ای^۱ مطالعات انجام شده در این زمینه است. نتایج کسب شده در پژوهش‌های مختلف می‌تواند روشنایی بخش مسیر مطالعات آینده باشد. به همین جهت در این مقاله سعی شده است تا با بهره‌گیری از روش مرور حیطه‌ای منابع مهاجرت داخلی، دیدی کلی و جامع در خصوص مهاجرت داخلی و ابعاد مختلف آن ارائه شود.

روش و داده‌های تحقیق

مقاله حاضر جهت نیل به هدف بررسی منابع موجود در زمینه مهاجرت داخلی در ایران، با استفاده از روش مرور حیطه‌ای، مطالعات و پژوهش‌هایی که در چهار دهه اخیر در زمینه مهاجرت داخلی صورت گرفته است، را بررسی می‌کند. مرور حیطه‌ای به ارائه تصویری از وضعیت فعلی تحقیقات در حیطه مورد بررسی می‌پردازد (رامریل، فیتزگرالد و مرکانت^۲، ۲۰۱۰). یکی از علل رایج انجام اینگونه تحقیقات، شناسایی شکاف‌های تحقیقاتی می‌باشد (واگمن، هاکانسن و جانسون^۳، ۲۰۱۵). بر خلاف تحقیقات مروری سیستماتیک، تحقیقات مرور حیطه‌ای به دنبال ارزیابی کیفیت متون، سنتز آنها و یا افزونه‌کردن یافته‌ها بر روی یکدیگر و افزایش قدرت یا قابلیت تعمیم یافته‌ها نیستند (آرکسی و املی^۴، ۲۰۰۵). تحقیقات مرور حیطه‌ای زمانی مفید هستند که بیشتر مرور جامعی صورت نگرفته باشد یا طرح‌های مختلفی برای مطالعات به کار گرفته شده و حجم زیادی از مطالعات منتشرشده وجود داشته باشد (لاواک^۵ و همکاران، ۲۰۱۰).

در این مقاله برای مرور مرور حیطه‌ای منابع، از چارچوب مرور مرور حیطه‌ای ارائه شده توسط آرکسی و املی (۲۰۰۵) استفاده شده است. بر این اساس در مرحله اول، مفهوم اصلی پژوهش یعنی «مهاجرت داخلی در ایران» مشخص و روشن شده است. در مرحله دوم منابع و

1 Scoping Review
2 Rumrill, Fitzgerald, Merchant
3 Wagman, Hakansson, Jonsson
4 Arksey & O'Malley
5 Levac

مطالعات مرتبط با این مفهوم مورد شناسایی قرار می‌گیرد. باتوجه به تنوع منابع مورد استفاده، در اینجا سه نوع منبع مختلف یعنی مقالات، پایان‌نامه و کتاب‌های چاپ شده در رابطه با موضوع تحقیق، مورد بررسی قرار گرفتند. دوره زمانی مورد بررسی ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۹ بوده است.

برای جستجوی مقالات چاپ شده در مجلات علمی از پایگاه‌های اطلاعاتی بانک نشریات فارسی شامل؛ پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاددانشگاهی (SID)، بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran)، بانک هوشمند مجلات و نشریات تخصصی علوم انسانی و اسلامی (Noormags) و پرتال جامع علوم انسانی (Ensani.ir) استفاده شده است. برای پایان‌نامه‌ها نیز از سامانه پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات (Iran Doc) و کتابخانه دانشگاه تهران استفاده شده است. دسترسی به دسته سوم منابع یعنی کتب نیز از طریق سایت کتابخانه ملی ایران امکان‌پذیر شد. کلید واژه مورد استفاده در شناسایی منابع «مهاجرت» و «مهاجرت داخلی» بوده است، همچنین جستجوی منابع بر اساس زبان فارسی صورت گرفت، مطالعات انگلیسی نیز به صورت جستجوی آنلاین و با کلید واژه Internal Migration in Iran انجام شد. سپس، بر اساس هدف مطالعه، معیارهای ورود و خروج منابع به لیست نهایی، مشخص شد: تنها مطالعاتی وارد شدند که مهاجرت را در مناطق داخلی ایران (در هر سطحی شامل روستا، شهر، استان و کشوری) مورد بررسی قرار داده باشند، هرگونه مطالعاتی که در زمینه مهاجرت بین‌المللی بود از لیست منابع حذف شدند، مهاجرت نخبگان چون با مقصد خارجی مورد بررسی قرار می‌گیرد نیز وارد لیست منابع نشده است، همچنین در برخی از رشته‌ها مانند فیزیک، الکترونیک، هواشناسی و ... که در آنها مهاجرت با مفهوم و معانی متفاوتی مورد بررسی قرار گرفته است نیز از لیست خارج شده است. مطالعاتی که در پایگاه‌های مختلف تکرار شده بودند از لیست حذف شدند. در نهایت ۶۴۰ مطالعه انتخاب و مورد بررسی قرار گرفت. مطالعات مورد بررسی شامل ۶۴ درصد مقاله چاپ شده در مجلات داخلی و بین‌المللی، ۲۵ درصد پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکتری و ۱۱ درصد کتاب بوده‌اند. در نهایت، صرف نظر از نوع منبع، موارد عنوان، موضوع، پوشش زمانی، قلمرو مکانی، روش تحقیق،

نوع داده‌های مورد استفاده، رویکرد مطالعاتی، الگوهای مهاجرتی مورد مطالعه و حیطه‌های مورد بررسی و یافته‌های کلیدی مطالعات استخراج و تحلیل شد.

یافته‌ها

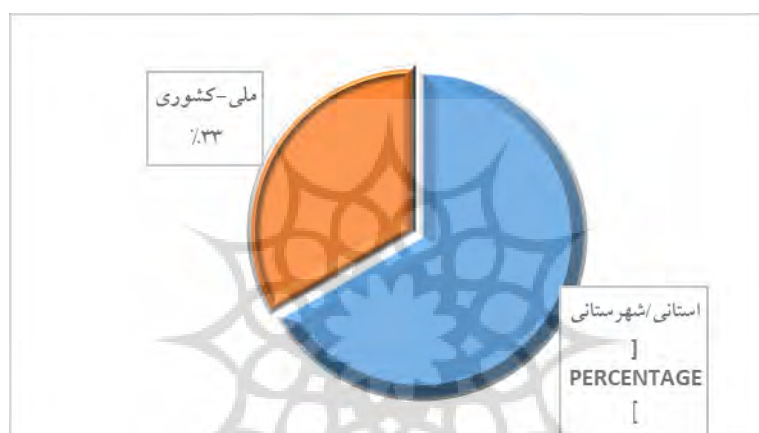
(۱) پوشش زمانی

توزیع مطالعات بر حسب زمان نشان داد که حدود ۶۰ درصد از مطالعات مورد بررسی در دهه ۱۳۹۰ منتشر شده‌اند و ۲۵ درصد نیز مربوط به دهه ۱۳۸۰ می‌باشند. بررسی پوشش زمانی مطالعات نشان داد که عمده مطالعات صورت گرفته در این حیطه، مربوط به دهه ۱۳۹۰ می‌باشد که علت مهم آن اقبال عمومی بیشتر به موضوع مهاجرت‌های داخلی، دسترسی بیشتر به منابع موثق و قابل اطمینان و معرفی شاخص‌های جدید در این زمینه و انتشار آنلاین منابع و شاید افزایش اهمیت مهاجرت در پویایی جمعیت و تغییرات اجتماعی بوده است. بر اساس نتایج به دست آمده، طی دهه ۱۳۷۰ و نیز نیمه اول دهه ۱۳۸۰، همواره سهم پایان‌نامه‌هایی که در زمینه مهاجرت داخلی انجام شده است، بیشتر از مقالات و کتاب بوده است اما بعد از آن از سهم این منبع کاسته شد و در مقابل از نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ سهم مقالات بیشتر از دو منبع دیگر بوده است. آنچه در مورد کتب قابل اشاره است این است که همواره سهم کتاب در میان سایر منابع، دارای نوسان بوده است. بیشترین سهم آن مربوط به سال‌های ۹۸-۱۳۹۵ می‌باشد که به ۱۵ درصد رسیده است. در مجموع، پایان‌نامه‌های دانشجویی با سهمی برابر با ۴۸ درصد، بیشترین فراوانی مطالعات را طی دوره مورد بررسی داشته‌اند.

(۲) قلمرو مکانی و الگوهای مهاجرتی مورد بررسی

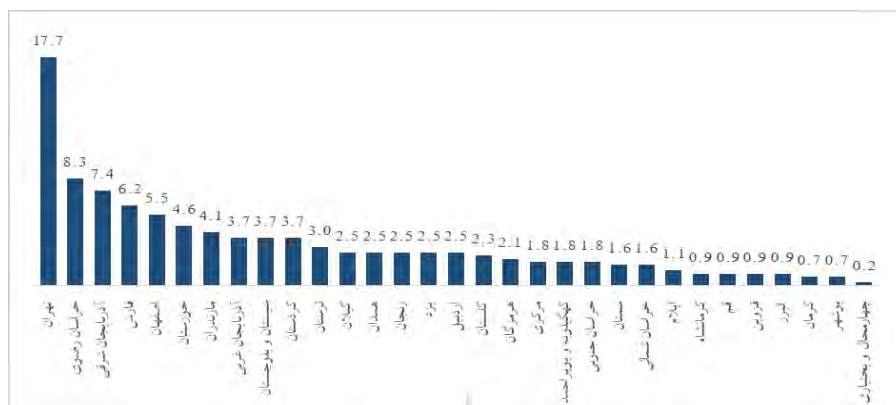
مهاجرت به عنوان عامل پیوند دهنده زمان و مکان، در سطوح مکانی متفاوتی قابل مطالعه است. در برخی از پژوهش‌های صورت گرفته، مهاجرت با تأکید بر محدوده جغرافیایی مشخصی مورد بررسی قرار گرفته است. در این قبیل موارد، پژوهشگر مهاجرت را صرفاً در محدوده مشخص شده، مورد کنکاش قرار می‌دهد. درحالی‌که در برخی از مطالعات مهاجرت به صورت عام و فارغ

از محدوده جغرافیایی، مورد بررسی قرار گرفته است. در این قبیل مطالعات مهاجرت در سطح کشوری بررسی شده است. مرور منابع موجود، همان‌طور که در نمودار ۱ مشخص است نشان داد که حدود یک سوم از مطالعات انجام شده، در سطح کشوری بوده و در ۶۷ درصد مطالعات، جریان مهاجرت‌های داخلی در سطوح پایین‌تر (استان و شهرستان و...) بوده است.



نمودار ۱. توزیع درصدی مطالعات مورد بررسی براساس سطح کشوری یا استانی

با توجه به این‌که مهاجرت معمولاً در واکنش به تفاوت‌های مناطق مبدأ و مقصد صورت می‌گیرد، عدم توازن توسعه‌ای در کشور موجب شده است که مناطق و استان‌های مختلف، بهره یکسانی از مهاجرت نداشته باشند. همان‌طور که در نمودار ۲ نشان داده شده است درحالی‌که تهران به‌عنوان یکی از بزرگترین مراکز جذب مهاجر در کشور، بیشترین تعداد مطالعات مهاجرت را به خود اختصاص داده است. استان‌هایی مانند بوشهر، چهارمحال و بختیاری، کرمان و دارای کمترین مطالعات صورت گرفته هستند. بعد از استان تهران، استان‌های خراسان رضوی، اصفهان، آذربایجان شرقی از مناطقی هستند که با دارا بودن سهم بیشتری از مبادلات مهاجرتی کشور، بیشترین منابع مطالعاتی را نیز از آن خود کرده‌اند.



نمودار ۲. توزیع قلمرو مکانی (استانی) مطالعات مورد بررسی (%)

مهاجرت، جابجایی نسبتاً دائمی محل زندگی بین دو نقطه جغرافیایی است، مطالعه و بررسی این دو نقطه جغرافیایی الگوی مهاجرتی را به دست می‌دهد. در مجموع چهار الگوی مهاجرتی در کشور مطرح است، مهاجرت‌های شهر به شهر، شهر به روستا، روستا به روستا و روستا به شهر. الگوهای مهاجرتی استخراج شده از منابع مورد بررسی، همان‌طور که در نمودار ۳ نشان داده شده است، عمدتاً متمرکز بر مهاجرت‌های روستا به شهر است.



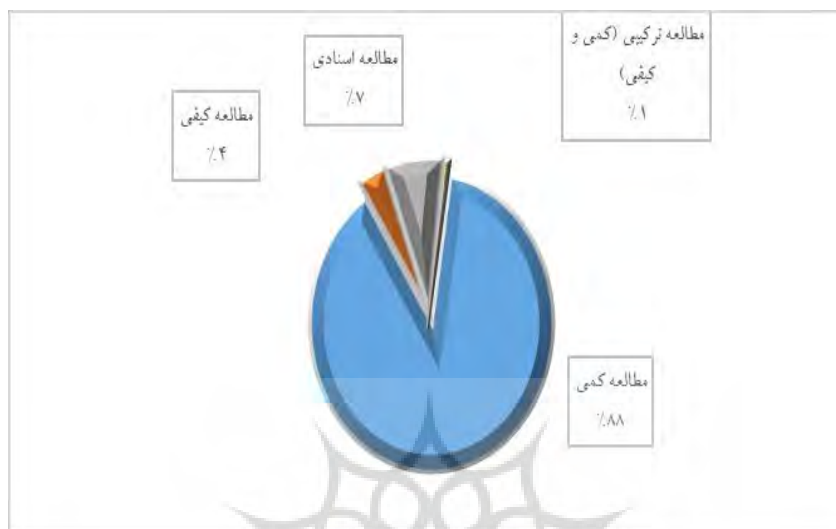
نمودار ۳. توزیع درصدی الگوهای مهاجرت بررسی شده در مرور مطالعات

بر اساس نتایج، مهاجرت‌های روستا به شهر عمدتاً در مطالعات و پژوهش‌های انجام شده مورد مطالعه قرار گرفته است به طوری که در ۷۳ درصد از مطالعات، به این الگوی مهاجرتی

پرداخته شده است. همچنین ۱۷ درصد از این مطالعات الگوی مهاجرت شهر به شهر را مورد بررسی قرار داده‌اند، درحالی‌که تنها ۱۰ درصد از مطالعات مهاجرت‌های شهر به روستا و بین مناطق روستایی را مرکز توجه قرار داده‌اند. در سال‌های اخیر الگوی غالب مورد مطالعه تغییر یافته و بر نسبت مطالعات با الگوی مهاجرت بین شهری افزوده شده است.

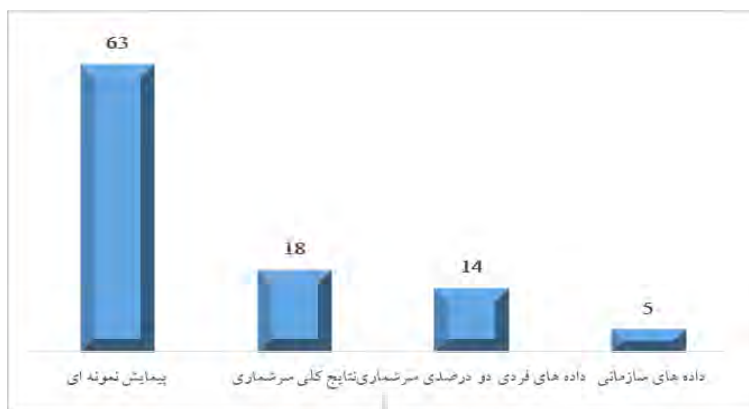
۳) روش و منابع داده‌ای مورد استفاده

مطالعات مختلف بسته به هدف و موضوع، روش تحقیق و به تبع آن از داده‌های مختلفی استفاده کرده‌اند. باوجود تنوع روش‌شناختی در مطالعات مورد بررسی، اما به صورت کلی روش‌های مطرح شده را می‌توان را در چهار گروه کلی کمی، کیفی، اسنادی (نظری) و ترکیبی^۱ (کمی و کیفی) قرار داد. بر اساس یافته‌های مندرج در نمودار ۴، استفاده از روش کمی در رأس قرار دارد. در مجموع ۸۸ درصد از مطالعات انجام شده، از روش کمی استفاده کرده‌اند و تنها ۱ درصد مطالعات از روش ترکیبی بهره گرفته‌اند. استفاده از روش کمی هم در مقالات و هم در پایان‌نامه‌ها بر دیگر انواع روش تحقیق برتری داشته است به طوری که ۹۶/۶ درصد از پایان‌نامه‌ها و ۷۹ درصد از مقالات، از روش تحقیق کمی استفاده کرده‌اند. پس از روش کمی، استفاده از روش اسنادی (کتابخانه‌ای و نظری) با ۷ درصد در رده دوم قرار دارد. روش‌های کیفی و ترکیبی به ترتیب با سهمی برابر با ۴ و ۱ درصد از کل مطالعات، کمتر مورد استفاده قرار گرفته‌اند.



نمودار ۴. روش تحقیق مورد استفاده در مطالعات مورد بررسی

همچنین در ارتباط با نوع داده‌های مورد استفاده، مرور مطالعات مختلف نشان داد که از حیث نوع داده‌های مورد استفاده می‌توان در دو دسته کلی پیمایش و داده‌های سرشماری‌ها قرار داد. بر اساس یافته‌های تحقیق در ۶۳ درصد از مطالعات مرور شده، از داده‌های به دست آمده از پیمایش‌های میدانی پژوهشگر استفاده شده است و ۳۷ درصد از مطالعات نیز از داده‌های موجود و به عبارتی تحلیل ثانویه بهره گرفته‌اند که در این میان ۱۸ درصد از نتایج کلی سرشماری، ۱۴ درصد از داده‌های فردی - نمونه دو درصد سرشماری‌های جمعیتی و در نهایت ۵ درصد از داده‌های سایر ارگان‌ها و سازمان‌ها (غیر از مرکز آمار ایران) در تحلیل مهاجرت‌های داخلی استفاده کرده‌اند.



نمودار ۵. منبع داده‌های مورد استفاده در مطالعات مورد بررسی

از اینرو، منبع داده‌ای غالب در مطالعات مرور شده، داده‌های پیمایش بوده است که عمدتاً در مطالعات سطح خرد مورد استفاده بوده است. درحالی‌که استفاده از داده‌های سرشماری و دو درصد سرشماری که عمدتاً برای سطوح کلان استفاده می‌شود، در رده دوم قرار دارد.

۴) رویکرد میان رشته‌ای به مهاجرت

بررسی منابع وارد شده به لیست نهایی مرور، نشان از رویکردها و دیدگاه‌های مختلف به مهاجرت داخلی در کشور دارد. نمودار ۶ نشان می‌دهد که در بیش از یک سوم مطالعات (۳۷/۲ درصد)، از دید جمعیت‌شناختی به مهاجرت پرداخته شده است. رویکرد جامعه‌شناسی در ۲۲ درصد مطالعات و بعد از آن رویکرد ترکیبی (اقتصاد، جامعه‌شناسی و جمعیت‌شناسی) با ۱۵ درصد قرار داشته است. استفاده از رویکرد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و اقتصاد در جایگاه‌های بعدی بوده‌اند. باتوجه به نتایج می‌توان اظهار داشت که تحقیق پیرامون مهاجرت اصولاً تحقیقی بین‌رشته‌ای است: جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، تاریخ، اقتصاد، جغرافیا، آمار، روان‌شناسی و حقوق، همگی علوم مرتبط با این موضوع هستند. این علوم از زوایای مختلفی به جابجایی جمعیت می‌نگرند، درک کامل این پدیده، نیازمند مشارکت کارشناسان همه این علوم است. در تمام شاخه‌های علوم اجتماعی، رویکردهای مختلفی بر مبنای تفاوت‌های موجود در نظریه‌ها و

روش‌ها وجود دارد. برای مثال محققانی که کار خود را بر مبنای تحلیل کمی مجموعه داده‌های بزرگ (مانند سرشماری‌ها یا پیمایش‌ها) قرار می‌دهند، نسبت به کسانی که به مطالعه کیفی گروه‌های کوچک می‌پردازند، پرسش‌های متفاوتی را مطرح کرده و به نتایج مختلفی دست می‌یابند. محققانی که با استفاده از رویکردهای تاریخی و نهادی نقش نیروی کار مهاجر را در اقتصاد جهان بررسی می‌کنند، نیز به نتایج متفاوتی از دو گروه پیشین دست می‌یابند. هر یک از این روش‌ها جایگاه خود را دارند، مادامی که ادعای تنها روش درست را نداشته باشند (کاستلز و میلر^۱، ۲۰۰۳).



نمودار ۶. توزیع درصدی رویکردهای رشته‌ای در مطالعات مورد بررسی

(۵) مدل‌ها و نظریه‌های مورد استفاده

با وجود تفاوت علت، ماهیت و پیامدهای مهاجرت در جوامع توسعه‌یافته و در حال توسعه، اما به لحاظ تأثیراتی که در جامعه دارد، در هر دو دسته از جوامع، اهمیت جمعیت‌شناختی بسیاری پیدا کرده است. اینکه مهاجرت از چه ساز و کارهایی (مکانیسم) تبعیت می‌کند، انگیزه‌های

مهاجران اساساً چیست و به طور کلی آیا می‌توان برای آن قانونمندی خاص را در نظر گرفت، منجر به ارائه نظریه‌های مختلفی شده است.

در سده گذشته، نظریه‌پردازی در مورد علل و دلایل مهاجرت از سوی نظریه‌پردازان رشته‌های مختلف به ویژه در حوزه علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی مطرح شده که به اشکال مختلف دسته‌بندی شده است. از مهم‌ترین و پرکاربردترین نظریه‌های مورد استفاده در این زمینه می‌توان به مدل‌های جادبه و دافعه اشاره کرد. نظریه‌های بسیاری در این مدل مطرح شده که در تحقیقات و مطالعات مورد استفاده قرار گرفته‌اند (۲۰/۵ درصد). از جمله مهم‌ترین آنها باید مدل‌های روانشناختی، اورت اس. لی^۱، زیف^۲ و استافر^۳، لوری^۴ و راجز، سجااستاد^۵ اشاره کرد. دومین دسته از نظریه‌های مورد استفاده در زمینه بررسی علل مهاجرت نظریه الگوی اقتصادی دو بخشی توسعه (۳/۴ درصد) است که عمدتاً در قالب مدل‌های لوئیس^۶، فی^۷ و رانیس^۸ از آن بهره‌گرفته شده است. نظریه سرمایه انسانی و هزینه و فایده معرفی شده توسط سجااستاد (۱۹۶۱) و سپس داوانز^۹ نیز از جمله پرکاربردترین نظریه‌های این حیطه تحقیقاتی بوده است (۷/۴ درصد). نظریه‌های اقتصادی مهاجرت تودارو^{۱۰} (۵/۹ درصد)، مدل شبکه‌ای (۱/۸ درصد)، مدل رفتاری (توماس و زنانسکی^{۱۱}) (۲/۵ درصد)، مدل سیستمی (مابوگنج^{۱۲}) (۲/۵ درصد) و نظریه محرومیت نسبی (استارک و ونگ^{۱۳}) (۹/۳ درصد) نیز از دیگر نظریه‌های پرکاربرد در این زمینه بوده است.

-
- 1 Everet Lee
 - 2 Zipf
 - 3 Staffer
 - 4 Lowery
 - 5 Sjaastad
 - 6 Lewis
 - 7 Fi
 - 8 Ranys
 - 9 Davanzo
 - 10 Todaro
 - 11 Thomas & Znaniecki
 - 12 Mabogunje
 - 13 Stark & Wang



نمودار ۷. توزیع درصدی چارچوب نظری مطالعات مورد بررسی

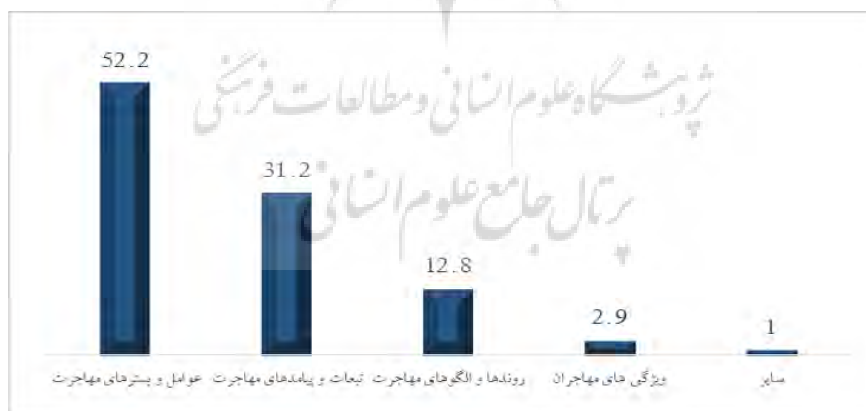
دستهٔ دیگر، نظریاتی هستند که به جریان و روندهای مهاجرت‌ها پرداخته‌اند. این دسته از نظریات عمدتاً در مطالعاتی استفاده شده است که به دنبال تبیین روند و الگوهای مهاجرت در کشور بوده‌اند. نظریه‌های گسترده‌ای در این زمینه وجود دارد، اما تعدادی از آنها بیش از سایر نظریه‌ها مورد استفاده بوده‌اند که در اینجا به اهم آنها اشاره می‌شود. از جمله مهم‌ترین نظریه‌های تبیین‌کننده روند و جریان‌های مهاجرت، مدل وابستگی است (۳/۸ درصد). این مدل در دیدگاه تضاد یکی از دیدگاه‌های جامعه‌شناختی تبیین مسائل اجتماعی نضج گرفت. در دیدگاه تضاد، جامعه عرصه تضادها و مبارزات طبقاتی است و متغیرهایی مانند روابط حاکمیت، تقسیم کار، توزیع نابرابر امکانات اقتصادی و تغییرات و دگرگونی‌های اساسی (انقلاب‌ها) مورد بحث قرار می‌گیرند. نظریه انتقال تحرکی زلینسکی^۱ (۱۹۷۱) نیز در این زمینه مورد استفاده بوده است (۱/۳ درصد). در این نظریه بر اهمیت نسبی انواع مختلف جابجایی به موازات فرایند نوسازی

1 Zelinsky

تاکید می‌شود. نظریه بوم‌شناسی - انسانی (۱/۱ درصد)، نظریه مرکز-پیرامون (۶/۴ درصد) و نظریه قطب‌رشد (۸/۸ درصد) از دیگر نظریه‌های پرکاربرد در این زمینه هستند. نسل‌های متوالی مهاجران و فرایند انطباق آنها با جامعه میزبان به یک نقطه توجه جدید در مطالعات مهاجرت تبدیل شده است. نظریه‌های متعددی نظیر، نظریه جذب کلاسیک (۲/۷ درصد)، نظریه جذب متقاطع (۲/۴ درصد) و نظریه جان بری^۱ (۱/۵ درصد) در خصوص فرآیند انطباق مهاجران در جامعه میزبان ارائه شده است.

۶) ابعاد و حیطه‌های مورد بررسی

بررسی مطالعات و پژوهش‌های انجام گرفته از حیث ابعاد مورد مطالعه نشان داد که در بیش از ۵۲ درصد از مطالعات عوامل و بسترهای تعیین‌کننده مهاجرت پرداخته شده است. در واقع در اغلب مطالعات، پژوهشگران به دنبال یافتن دلایل و بسترهای مهاجرت در کشور بوده‌اند. در ۳۱ درصد مطالعات، تبعات و پیامدهای مختلف مهاجرت در مبدأ و مقصد و برای افراد مهاجر بررسی شده است. این درحالی است که بعد روند، الگو و جریان‌ات مهاجرت داخلی تنها در ۱۳ درصد از مطالعات به عنوان موضوع مورد بررسی انتخاب شده است و در نهایت این‌که، تنها در ۳ درصد از آنها، ویژگی‌های مهاجران بررسی شده است.



نمودار ۸. توزیع درصدی حیطه‌های مورد بررسی در مرور مطالعات

در اینجا، خلاصه‌ای از مهم‌ترین یافته‌های مطالعات مورد بررسی در سه محور روندها و جریانات مهاجرتی، بسترها و عوامل تعیین‌کننده مهاجرت، و اثرات و پیامدهای مهاجرت داخلی ارائه می‌شود.

الف) روند و جریان مهاجرت‌های داخلی

ایران نیز به مانند کشورهای دیگر شاهد جریان‌های مهاجرتی متفاوتی در دهه‌های مختلف بوده است. با این حال، اندازه‌گیری و بررسی میزان و روند آن همواره با مشکلاتی مانند عدم دسترسی به داده‌های مورد نیاز همراه بوده است. همین امر باعث تعداد محدود تحقیقات در این زمینه و اطلاعات اندک در مورد شاخص، روند و الگوهای مهاجرت داخلی شده است. در واقع، تنها ۱۳ درصد از مطالعات مرور شده به تحلیل روند و جریان مهاجرتی در ایران پرداخته‌اند. در بسیاری از این مطالعات آغاز تحولات جریان‌های مهاجرت به دهه ۱۳۴۰ نسبت داده شده است، که بر اساس آن، مهاجرت داخلی ایران به دو دوره کلی قبل و بعد از اصلاحات ارضی تقسیم می‌شود (طالب، ۱۳۶۸). در برخی از پژوهش‌ها نیز توصیف جریان و حجم مهاجرت‌های داخلی در دوره‌های زمانی مختلف پرداخته شده است (برای مثال؛ محمودیان و قاسمی اردهایی، ۱۳۹۲؛ زنجانی، ۱۳۸۰). در دهه‌های اخیر با افزایش دقت داده‌های سرشماری و نیز ساخت و معرفی شاخص‌های جدیدی در این زمینه، افزایش مطالعات روند و سطوح مهاجرت به چشم می‌خورد (برای مثال؛ شهبازین و همکاران، ۱۳۹۷؛ مشفق، ۱۳۸۹؛ صادقی و شکریانی، ۱۳۹۵؛ بیک‌محمدی و حاتمی، ۱۳۸۹؛ تنها و گلی، ۱۳۹۲).

بر اساس مطالعات مختلف، نرخ مهاجرت طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۱، که عمدتاً مهاجرت روستا به شهر بوده ۱/۰۵ درصد بوده و متوسط تعداد مهاجرین هر ساله در دوره فوق حدود ۱۵۳ هزار نفر بوده است. در این دوره به تقریب حدود ۹۱۸ هزار نفر به واسطه مهاجرت روستایی، به جمعیت شهری کشور افزوده شدند (زاهدی و دیگران، ۱۳۶۶). با انجام اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰ و از میان رفتن نهادهای اصلی اربابی، زمینه برای گسترش روابط سرمایه‌داری آماده شد. اصلاحات ارضی موجب شد، این رابطه در ژرفای روستاها و در میان ایلات و عشایر

منتقل شود (سودا گر، ۱۳۶۷). در واقع، در این دوران سیاست‌های اداری-اقتصادی دولت به گسترش سریع شهرهای کوچک و بزرگ و فعالیت‌های شهری انجامید و گسترش بورکراسی دولتی و تمرکز بیش از پیش تصمیمات اجرایی، فزونی مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ را در پی داشت (بیک محمدی و مختاری، ۱۳۸۳؛ بیک محمدی و مغانی، ۱۳۸۲؛ کاتوزیان، ۱۳۷۲) این فرآیند در چند دهه اخیر و پس از انقلاب اسلامی نیز ادامه یافت و روند توسعه اقتصادی و اجتماعی و سیاسی متمرکز بر شهرها و به ویژه شهرهای بزرگ، همچنان عاملی برای مهاجرت بود (زنجان، ۱۳۸۰؛ قاسمی‌اردهایی و حسینی‌راد، ۱۳۸۵؛ ضرابی و رخشانی-نسب، ۱۳۸۸). طی این دوره تعداد استان‌های دارای نرخ رشد منفی جمعیت روستایی، افزایش داشته و از ۱۱ استان در سال ۱۳۷۵ به ۲۵ استان در سال ۱۳۸۵ رسید. روستاییان به دلیل عدم توازن جمعیتی و کمبود منابع، راهی شهرها شدند و شهرنشینی در کشور به شدت افزایش پیدا کرد به صورتی که تا سال ۱۳۹۵ حدود ۷۵ درصد جمعیت کشور در شهرها اقامت داشتند؛ این در حالی است که در سال ۱۳۶۰ میزان شهرنشینی و روستانشینی کشور تقریباً برابر بوده است. از عمده دلایل افزایش شهرنشینی علاوه بر افزایش طبیعی جمعیت شهری، شدت مهاجرت‌های روستا-شهری نیز بوده است (محمودیان و قاسمی‌اردهایی، ۱۳۹۲). در چند دهه گذشته اگرچه کاهش نسبت جمعیت روستایی کشور از تبدیل روستاهای بزرگ به شهر و ادغام بسیاری از روستاهای اطراف شهرهای بزرگ تأثیر فراوانی پذیرفت، اما همچنان مهاجرت، عامل اصلی این روند به شمار می‌رود. در این راستا افزایش جمعیت شهری کشور از ۳۱/۴ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۷۱/۳ درصد در سال ۱۳۹۰ (محمودیان و قاسمی‌اردهایی، ۱۳۹۲) و حدود ۷۴ درصد در سال ۱۳۹۵ و به دنبال آن کاهش جمعیت روستانشین کشور از ۶۸/۶ درصد در سال ۱۳۳۵ به کمتر از ۲۶ درصد در سال ۱۳۹۵، نشان دهنده تغییر الگوی سکونت سستی در ایران است (ایراندوست و همکاران، ۱۳۹۲؛ نوراللهی، ۱۳۷۷؛ قاسمی‌اردهایی و نوبخت، ۱۳۹۵؛ صادقی، عباسی‌شوازی و شهبازین، ۲۰۲۰).

در سال‌های اخیر همزمان با ساخت و معرفی شاخص‌های اندازه‌گیری ابعاد مهاجرت داخلی در سطح جهانی، مطالعاتی در این حوزه آغاز شده است که ضمن نشان دادن شرایط فعلی مهاجرت داخلی، وضعیت مهاجرت داخلی ایران را با دیگر کشورهای جهان مقایسه کرده و با توجه به تجربه کشورهای توسعه‌یافته روند احتمالی آتی را به دست دهد. از جمله این مطالعات باید به مشفق (۱۳۸۹)، صادقی و شکریانی (۱۳۹۵) و شهبازین و همکاران (۱۳۹۶) اشاره کرد. مشفق (۱۳۸۹) با بررسی شاخص‌های ابعاد مهاجرت داخلی کشور طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵ نشان داد که طی این سه دهه میزان ناخالص مهاجرت و شاخص اثربخشی مهاجرت در بازتوزیع جمعیت کاهش اساسی داشته است. درحالی‌که نظام مهاجرت بین منطقه‌ای از پیوستگی مهاجرتی بیشتری برخوردار شده است، تمرکزگرایی در نظام مهاجرتی به شدت کاهش‌یافته است. تغییرات مؤلفه‌هایی چون نابرابری‌های درآمدی بین منطقه‌ای و درون منطقه‌ای، افزایش امکانات ارتباطات بین منطقه‌ای و نیز حجم و رشد جمعیت مناطق در شکل‌دهی به تغییرات نظام مهاجرتی نقش اساسی داشته‌اند (مشفق، ۱۳۸۹). صادقی و شکریانی (۱۳۹۵) نیز با مطالعه شاخص‌های ابعاد مهاجرتی داخلی به بررسی تأثیر مهاجرت بر بازتوزیع جمعیت شهرستان‌های کشور با توجه به سطح توسعه‌یافتگی آنها در سال ۱۳۸۵ پرداخته‌اند. نتایج بررسی آنها نشان داد شهرستان‌های ایران از سطوح متفاوت توسعه برخوردارند و سطح توسعه‌یافتگی آنها ساختار فضایی داشته و به شکل خوشه‌ای توزیع شده است. همچنین الگوهای متفاوتی از رابطه توسعه‌یافتگی و مهاجرت خالص در کشور وجود دارد و شهرستان‌ها الگوی واحدی از این نشان نداده‌اند. بر این اساس چهار الگوی مختلف: افزایش توسعه‌یافتگی همراه با افزایش مهاجرت، کاهش توسعه‌یافتگی همراه با کاهش مهاجرت، افزایش توسعه‌یافتگی همراه با کاهش مهاجرت، کاهش توسعه‌یافتگی همراه با افزایش مهاجرت به دست آمده است. در نتیجه در صورت تداوم تمرکزگرایی امکانات و نابرابری توسعه‌ای در سطح کشور، حرکات و جریانات مهاجرتی تداوم و حتی افزایش خواهد یافت (صادقی و شکریانی، ۱۳۹۵). شهبازین و همکاران (۱۳۹۷) نیز در مطالعه‌ای به محاسبه شاخص‌های مرتبط یا بازتوزیع جمعیت ناشی از مهاجرت طی سال‌های

۹۵-۱۳۷۵ پراختند. آنها نشان دادند با وجود نوساناتی که در جریان مهاجرت داخلی وجود دارد، مناطق مختلف کشور میزان‌های مهاجرتی متفاوتی را تجربه کرده‌اند. همواره شهرستان‌های مرزی به ویژه غرب و جنوب شرقی کشور بالاترین میزان مهاجرتی و شهرستان‌های بزرگ که عمدتاً در مناطق مرکزی قرار دارند، بالاترین میزان مهاجرتی را تجربه کرده‌اند.

ب) بسترها و عوامل تعیین‌کننده مهاجرت‌های داخلی

بیش از نیمی از مطالعات بررسی شده به بررسی عوامل و بسترهای زمینه ساز مهاجرت داخلی پرداخته‌اند. مهاجرت به عنوان یک مسئله جمعیتی و اجتماعی نمی‌تواند یک رفتار تصادفی باشد، در صورتی که وضعیت اجتماعی-اقتصادی موجود نتواند نیازهای افراد را تأمین کند، فرد انگیزه جابجایی به مناطقی که شانس بیشتری برای رفع نیازها و محرومیت‌ها را دارد، پیدا خواهد کرد. هر فرد مهاجر مجموعه‌ای از دلایل را برای مهاجرت به همراه دارد. وضعیت اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، ویژگی‌های منطقه محل سکونت، شرایط خانواده و ویژگی‌های روانی فرد و هزاران عامل دیگر می‌تواند به عنوان دلایل مهاجرت مطرح شوند. اولین و مهمترین دلیلی که اغلب مطالعات به آن اشاره دارند عامل اقتصادی و در زیر مجموعه آن دو عامل درآمد و اشتغال بوده است. از اینرو، همواره عامل اقتصادی از عوامل مسلط مهاجرت افراد در مطالعات مورد بررسی شناخته شده است (علیزاده و کازرونی، ۱۳۶۳). تفاوت‌های منطقه‌ای در فرصت‌های اقتصادی، منجر به بروز مهاجرت‌های منطقه‌ای شده است. طی برنامه‌های توسعه ناموزون که در کشور اجرا شده است، مناطق مختلف بهره‌مندی‌های متفاوت و نامتناسبی از آن داشته‌اند. مطالعات بسیاری در نتایج خود به این نکته اشاره داشته‌اند که مهاجرت در واقع پاسخی به این تفاوت‌ها و نابرابری‌ها است (عبادی، ۱۳۶۹؛ بیک محمدی، ۱۳۷۷؛ قرخلو، ۱۳۷۸). بر این اساس، افراد مهاجر مناطقی را جستجو می‌کنند که فرصت‌ها و منابع اقتصادی بیشتری دارند. در میان عوامل اقتصادی متعدد، دو عامل کلیدی درآمد و اشتغال بیش از عوامل دیگر در مطالعات مورد تاکید بوده است. برآورده کردن نیازهای مادی و فراهم کردن شرایط مطلوب زندگی در گرو اشتغال و امرار معاش از طریق آن است. به دنبال بر هم خوردن تعادل فرصت‌های شغلی با

حجم جمعیت در جستجوی کار، افراد در پی کسب شغل و درآمد راهی مناطقی با امکان اشتغال بالاتر می‌شوند. شهرها و به‌ویژه شهرهای بزرگ با داشتن توانایی‌های اقتصادی بالاتر و امکان جذب بیشتر افراد در بدنه اقتصادی، انگیزه لازم برای مهاجرت افراد بیکار را فراهم می‌کنند (رمضانی‌اسفدن، ۱۳۸۹). از سویی باید به افزایش سطح تحصیلات نیز اشاره کرد. در پی گسترش تحصیلات دانشگاهی، افراد برای یافتن شغلی متناسب با تحصیلات خود راهی مناطقی با امکان اشتغال بالاتر، می‌شوند. با توجه به افزایش تحصیلات زنان و افزایش استقلال آنها در جامعه امروز، آنها نیز به گروه عمده مهاجران اضافه شده‌اند. اکثر مهاجرانی که مورد بررسی قرار گرفته‌اند اشتغال، دستیابی به شغل بهتر و بالابردن میزان درآمد را علت اصلی مهاجرت خود ذکر کرده‌اند (موسوی، ۱۳۸۳).

نیل به سطوح بالای رفاه و درآمد، جهت فراهم آوردن نیازها، نیز از موارد مهمی است که در علت مهاجرت به آن اشاره می‌شود. در متون مختلف این عامل با اشتغال و یا به دست آوردن شغل بهتر، ارتباط تنگاتنگی دارد. نیاز به کسب درآمد و یا درآمد بالاتر، بعد از اشتغال از دلایل عمده‌ی مهاجرت و تغییر مکان است. مهاجرت به ویژه مهاجرت‌های داخلی تابعی از تفاوت بین نرخ دستمزد در مبدأ و مقصد است. دستیابی به رفاه بیشتر و دستیابی به آن از طریق درآمد بالاتر به ویژه در میان قشر جوان، افراد را ترغیب به مهاجرت می‌کند (علیزاده و کازرونی، ۱۳۶۳؛ عبادی، ۱۳۶۹؛ قرخلو، ۱۳۷۸). در کنار تفاوت درآمد مناطق، در چند دهه اخیر مدل‌هایی مطرح شده است که پایه و اساس مطالعات گوناگونی قرار گرفته است. بر اساس مدل‌های مختلف، قرار گرفتن عامل تفاوت در برخورداری از تسهیلات رفاهی در کنار اشتغال و درآمد، باعث شدت بخشیدن به جریان‌های مهاجرت شده است (بیک محمدی، ۱۳۷۷؛ قرخلو، ۱۳۷۸؛ طاهرخانی، ۱۳۸۰؛ عابدی و کریمی‌هسنیجه، ۱۳۸۶). شرایط قابل قبول اقتصادی در مناطق مقصد همواره با شرایط نامناسبی در مناطق مبدأ همراه است. افزایش نرخ بیکاری در مبدأ از مهمترین عواملی است که موجب انگیزش افراد برای مهاجرت به قصد یافتن شغل می‌شود. از سویی همان‌طور که ذکر شد توسعه ناموزون مناطق مختلف، موجب تشدید فرصت‌های محدود مناطق

مبدأ می‌شود. عدم تغییر در ساختار اقتصادی این مناطق، ادامه اشتغال در بخش کشاورزی و بهره‌وری از زمین به شیوه‌های سنتی (زنجانی، ۱۳۶۴)، توزیع نامتعادل فعالیت‌ها (زنجانی، ۱۳۶۹؛ زاهدی مازندرانی، ۱۳۶۶)، نبود مراکز جذب نیروی انسانی آماده به کار، شانس پیدا کردن شغل مناسب در شهرها و وجود درآمدهای بالاتر را به شدت افزایش می‌دهد (بیک‌محمدی و حاتمی، ۱۳۸۹).

افزایش جمعیت در مناطق مبدأ (عمدتاً روستاها) و پایین بودن نسبت زمین کشاورزی به جمعیت در سنین کار، کاهش سود کشاورزی و بالارفتن سطح تحصیلات افراد از جمله دیگر عوامل دافعه اقتصادی است که موجب مهاجرت‌های روستا-شهری می‌شود. تمرکز مراکز صنعتی در شهرهای بزرگ و از سویی عدم استقرار مراکز صنعتی در مراکز شهری کوچک و روستاها و در نتیجه کمبود فرصت‌های شغلی، در مهاجرت‌فرستی شدید این مناطق مؤثر است (افراخته و آقائی‌زاده، ۱۳۹۰؛ ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰). با افزایش تفاوت فرصت‌های اقتصادی و تسهیلات رفاهی بین مناطق، میل به مهاجرت نیز روندی صعودی می‌گیرد. نتیجه کلی مطالعاتی که تاکنون در مورد مهاجرت داخلی صورت گرفته است گویای این واقعیت است که افراد به دلایل اقتصادی مهاجرت می‌کنند. با این وجود مسلط بودن عامل اقتصادی در مهاجرت‌های داخلی به معنی تعیین‌کننده بودن این عوامل نیست. عوامل اجتماعی، فرهنگی و روانی متعددی نیز در این جریان و شدت بخشیدن به آن نقش دارند (پناهی و پیشرو، ۱۳۹۰). از جمله مهمترین عوامل اجتماعی - فرهنگی باید به عامل سرمایه اجتماعی اشاره کرد که از متغیرهای مهم در تصمیم‌گیری افراد برای اقدام به مهاجرت محسوب می‌شود. سرمایه اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی به عنوان رقیبی برای عامل سرمایه انسانی در مطالعات ظهور کرده است. روابط اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی خانوادگی که فرد در آنها قرار دارد فرد را جهت‌دستیابی به منابع اطلاعاتی ارزشمندی تجهیز می‌کند که در مطالعات مربوط به تصمیم به مهاجرت غیرقابل چشم‌پوشی است. وجود این شبکه اجتماعی در بسیاری از موارد زمینه‌ساز حرکت و مهاجرت به این مناطق می‌شود. شبکه‌های اجتماعی منبع اصلی برای کسب اطلاعات در مورد مقصد

مهاجرت هستند. جریان اطلاعات از طریق خویشاوندان و دوستان صورت می‌گیرد که اساس قابل اتکایی برای تصمیم‌گیری مهاجرت به شمار می‌روند (کشاورز و همکاران، ۱۳۹۲). بر این اساس هرچقدر ارتباطات افراد با کسانی که قبلاً مهاجرت کرده‌اند، گسترده‌تر باشد احتمال مهاجرت افراد بیشتر می‌شود. نتیجه مطالعات نشان داده است نسبت کمی از مهاجران صرف پیوستن به آشنایان و خانواده را به عنوان دلیل مهاجرت ذکر کرده‌اند، اما درصد قابل توجهی از این مهاجران به واسطه دارا بودن شبکه اجتماعی در مقصد، اقدام به مهاجرت می‌کنند، این امر از طریق ارائه حمایت اجتماعی و عاطفی سهم زیادی در عملی کردن تصمیم به مهاجرت آنها داشته است. همچنین ساختار خانواده و نقش روابط خانوادگی در تحرک اجتماعی و شرایط سیاسی و اجتماعی را می‌توان از عوامل مؤثر در مهاجرت دانست. سرمایه اجتماعی به ویژه شبکه روابط خویشاوندی در کنار انگیزه‌های اقتصادی در مهاجرت مؤثر است (باستانی و ساعی‌مهر، ۱۳۸۶).

از دیگر عوامل اجتماعی مؤثر بر مهاجرت باید بر تفاوت امکانات و خدمات آموزشی مناطق اشاره کرد. دسترسی به مؤسسات و دانشگاه‌ها از محرک‌های قوی مهاجرت بوده است. تمایل به افزایش سطح تحصیلات از سوی افراد جامعه در دهه‌های اخیر افزایش زیادی پیدا کرده است و باعث ورود حجم بزرگی از افراد به مؤسسات و دانشگاه‌ها شده است. اما مسئله‌ای که در این جریان وجود دارد عدم پراکندگی یکنواخت امکانات آموزشی در همه مناطق است. تمرکز دانشگاه‌ها و تجهیزات آموزشی در شهرهای بزرگ موجب سرازیر شدن سیلی از مهاجران جهت دستیابی به این امکانات و خدمات می‌شود (کشاورز و همکاران، ۱۳۹۲). همچنین مهاجران با کسب تجربه اقامت در این مناطق، تمایل بالایی به اقامت دائمی داشته و به مناطق مبدأ باز نمی‌گردند (کاظمی‌پور و قاسمی‌اردهایی، ۱۳۸۶). علاوه بر امکانات آموزشی دسترسی به امکانات و خدماتی از جمله مدارس، بیمارستان، امکانات تفریحی و رفاهی و ... نیز از دیگر عوامل اجتماعی - فرهنگی است که مهاجران همواره آنها را به عنوان دلایل خود برای ترک محل اقامت ذکر کرده‌اند. شرایط اجتماعی و فرهنگی مناطق مبدأ و مقصد نیز می‌تواند عامل

مهاجرت محسوب شود. پایین بودن درجه تعصب، قوم‌گرایی و آزادی بیشتر در انتخاب ارزش‌ها در شهر (زاهدی‌مازندرانی و دیگران، ۱۳۶۶) از شرایط فرهنگی است که در کنار عوامل دیگر می‌تواند موجبات مهاجرت را فراهم نمایند.

عوامل و زمینه‌های جمعیتی را نیز باید به این مجموعه دلایل اضافه کرد. افزایش جمعیت به‌ویژه در روستاها طی دهه‌های گذشته موجب افزایش تعداد جوانان در سن کار و عدم تعادل این جمعیت با میزان منابع طبیعی و فرصت‌های اشتغال شده است، که موجب افزایش بیکاری و کاهش سطح دستمزها در مناطق مبدأ شده است. این مسئله در روستاهای ایران به وضوح قابل رویت است. افزایش جمعیت جوان در سن کار، پایین بودن نسبت زمین و خدمات کشاورزی در این مناطق نسبت به جمعیت، ادامه روند برداشت سنتی از زمین و عواملی از این دست همه موجب ایجاد درصد بالایی از بیکاری در روستاها شده است؛ از سویی باید در کنار عوامل انسانی و اجتماعی، به عوامل محیطی و جغرافیایی نیز در شکل‌گیری تصمیم و اقدام به مهاجرت اشاره کرد. تغییرات شرایط آب و هوایی و کمبود آب را نیز به این عوامل افزود که موجب تشدید شرایط شده است (طاهرخانی، ۱۳۸۰؛ قرخلو، ۱۳۷۸). از عمده‌ترین این عوامل که در مطالعات و تحقیقات بسیاری مورد توجه بوده، شرایط آب و هوایی است. از مهمترین مصادیق این عامل تغییر دمای هوا، کاهش بارندگی‌ها در مناطق گرم و خشک و خشک شدن چاه‌های کشاورزی است که مسائلی مانند کمبود آب و مشکلات ناشی از آن را در مناطق به وجود آورده است که خود تبعات و مشکلاتی مانند از بین رفتن امکان کشاورزی و کاهش میزان سرمایه‌گذاری و... در این بخش را به دنبال داشته است. مجموعه این عوامل موجب کاهش فرصت‌های اشتغال و در نتیجه پایین آمدن سطح درآمدها شده است که بهترین انگیزه و علت را برای مهاجرت در اختیار افراد قرار داده است (بیک‌محمدی و حاتمی؛ ۱۳۸۹؛ موثقی جدیدی و خاتون آبادی، ۱۳۸۹؛ افراخته و آقائی‌زاده، ۱۳۹۰).

ج) تبعات و پیامدهای مهاجرت‌های داخلی

حدود یک سوم مطالعات به بررسی تبعات و پیامدهای مهاجرت‌های داخلی به ویژه در مقصد پرداخته‌اند. مهاجرت به مانند سایر پدیده‌های اجتماعی، کارکردهای مثبت و منفی متعددی به همراه دارد و بسته به شرایط اقتصادی-اجتماعی و سیاسی منطقه، می‌تواند مشکلاتی را به همراه بیاورد و یا به‌عکس، موجبات رشد و شکوفایی را فراهم آورد. مهاجرت‌های داخلی با توزیع متناسب نیروی انسانی با منابع درآمدی در مناطق مختلف می‌تواند تأثیرات قابل ملاحظه‌ای در ایجاد همگرایی درآمد سرانه داشته باشد و به‌عنوان مکانیسم تعادل‌بخش و تنظیم‌کننده فرایند توسعه منطقه‌ای عمل کند (مازا^۱، ۲۰۰۶). اما این امر لزوماً در همه مناطق و همه جوامع میسر نمی‌شود. مهاجرت به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه به دنبال توسعه ناموزون و برهم خوردن تعادل نیروی انسانی و منابع اشتغال ایجاد شده است به همین دلیل در این جوامع مهاجرت به صورت یک مسئله اجتماعی درآمده است. افزایش سرمایه‌گذاری‌های منطقه‌ای و رشد و توسعه شهرهای بزرگ به عامل جذب مهاجران تبدیل شده است. از اینرو، عمده تحقیقات صورت گرفته در مورد مهاجرت با تمرکز بر پیامدهای منفی آن بوده است. سرعت ورود مهاجران به شهرها به ویژه کلانشهرها، معمولاً بالاتر از رشد و توسعه این مناطق بوده است. این عامل موجب کاهش تعداد فرصت‌های شغلی و فشار بر زیرساخت‌های شهری و آسیب‌ها و مسائل اجتماعی بوده است. در پی افزایش افراد در جستجوی کار و ایجاد بازار رقابتی در میان آنان برای کسب کار، کاهش دستمزدها رخ خواهد داد. ازسوی دیگر، با توجه به اینکه مهاجران معمولاً افراد جوان و مردان هستند این امر موجب برهم خوردن تعادل جمعیتی در هر دو منطقه مبدأ و مقصد می‌شود. مهاجرت جوانان و میانسالان مناطق روستایی به شهر باعث برتری کمی زنان و سالخورده شدن جمعیت در مناطق مبدأ و حتی خالی از سکنه شدن آنها می‌شود (محمودیان و قاسمی‌اردهایی، ۱۳۹۲).

مهاجرت نه فقط باعث تغییر پراکندگی جمعیت یک منطقه جغرافیایی می‌شود، بلکه در ساختارهای شغلی، رفاهی، جنسی، آموزشی و... نیز تغییراتی را ایجاد می‌نماید که هر کدام از

این تغییرات به نوبه خود شرایط نابرابری را بیشتر می‌کند (ارشاد و مینا، ۱۳۸۹). علاوه بر پیامدهای اقتصادی باید به پیامدهای روانی مهاجرت نیز اشاره کرد. در مطالعات گوناگون می‌توان پیامدهای مثبت و منفی مختلفی را برای این پدیده مشاهده کرد؛ آموزش بهتر، روابط اجتماعی و گذران اوقات فراغت جوانان از جمله پیامدهای غیر اقتصادی مثبتی است که برای مهاجرت ذکر کرده‌اند. در مقابل، پیامدهای منفی بسیاری نیز برای مهاجرت برشمرده‌اند؛ آسیب‌های اجتماعی (قاسمی‌سیانی، ۱۳۸۸) بحران مسکن (صرافی، ۱۳۸۱)، رشد مشاغل غیررسمی، پیدایش سکونتگاه‌های غیررسمی، بیکاری پنهان، بزهکاری‌های اجتماعی از جمله این آسیب‌ها و تبعات منفی مهاجرت است.

نتیجه‌گیری و خلأهای پژوهشی

مهاجرت موضوع بین رشته‌ای است، بر همین اساس آرا و اندیشه‌های گوناگون و متفاوتی درباره آن وجود دارد که هر کدام از آنها به جنبه خاصی از این پدیده توجه نشان داده‌اند. در این مقاله سعی شده مروری جامع بر ادبیات موجود در این زمینه، صورت گیرد. ادبیات پژوهشی قابل ملاحظه‌ای در باب مهاجرت داخلی وجود دارد که در دهه‌های اخیر نیز با دراختیار داشتن داده‌های موثق، بالارفتن دقت سرشماری‌ها و در نتیجه دسترسی بیشتر به منابع داده‌ای، بر حجم و نوع این مطالعات افزوده شده است. در دست داشتن این پیشینه علمی می‌تواند راه را بر مطالعات آینده هموار سازد، اما لازمه آن، شناخت این مطالعات و آگاهی بر خلأ و کمبودهای آن است. در مقاله حاضر تلاش شد که مطالعات موجود در زمینه مهاجرت داخلی در قالب سه دسته بزرگ مقاله علمی، پایان‌نامه و کتاب مورد بررسی قرار گیرد. همان‌طور که اشاره شد در مجموع ۶۴۰ مطالعه علمی طی دوره ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۸ بررسی شد. از سال ۱۳۶۵، همواره بر حجم مطالعات افزوده شده که در هر سه دسته قابل رؤیت است، گرچه افزایش حجم مقالات بیش از سایر منابع بوده است. با وجود این افزایش حجم مطالعات، اما کثرت این منابع با تنوع و کثرت روش تحقیق و داده‌های مورد استفاده همراه نبوده است. تسلط پارادایم اثبات‌گرایی در

کشور، موجب شده است که اکثریت مطالعات با بهره‌گیری از روش کمی انجام گیرند و مطالعات دارای روش تحقیق کیفی و حتی ترکیبی، در اقلیت قرار گرفته‌اند.

همچنین نتایج به دست آمده نشان داد که با توجه به شدت متفاوت مهاجرت در مناطق کشور، حجم مطالعات متفاوتی نیز در این زمینه وجود دارد. درحالی‌که وضعیت مهاجرت استان‌هایی مانند تهران، آذربایجان شرقی، اصفهان و... بیش از سایر مناطق مورد مطالعه بوده، اما استان‌هایی مانند کرمانشاه، سیستان و بلوچستان، ایلام، چهارمحال و بختیاری با وجود تداوم روند خالص منفی مهاجرت، کمترین حجم مطالعاتی را داشته‌اند؛ همین امر موجب توجه کمتر به جریان مهاجرت و پیامدهای آن بر این مناطق شده است. این درحالی است که لازمه کنترل و مدیریت مهاجرت در کشور و حل این معضل در کلانشهرهای کشور، توجه به مناطق مهاجرفرست و مدیریت مشکلات و عوامل مهاجرفرستی در این مناطق است. از سوی دیگر، نتایج استخراج شده از مطالعات نشان داد که عمده الگوی مهاجرتی مورد بررسی در این منابع، مهاجرت‌های روستا به شهری بوده است. این درحالی است که مهاجرت‌های روستا به شهری الگوی غالب مهاجرت، در دهه‌های گذشته بوده و در دهه‌های اخیر با تغییر در الگوهای مهاجرت، مهاجرت‌های شهر-شهر به الگوی غالب تبدیل شده است که باید مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

علاوه بر اینها، نتایج نشان داد بیش از ۵۰ درصد از مطالعات صرفاً به عوامل و علل مهاجرت و ۳۰ درصد نیز به پیامدهای مهاجرت پراخته‌اند و روند و الگوهای مهاجرت کمتر مورد توجه بوده است. علت مهم این کم‌توجهی، نبود شاخص و معیارهای اندازه‌گیری در زمینه مهاجرت داخلی است. درحالی‌که گام اول در مدیریت هر پدیده، شناخت جریان و روندهای آن در جامعه است.

باوجود مطالعات گسترده‌ای که در حوزه مهاجرت داخلی صورت گرفته است، اما همچنان ابعاد زیادی از این پدیده مورد توجه نبوده است و این موجب شده است که هنوز شناخت جامع و کاملی از مهاجرت داخلی در کشور فراهم نشده باشد. لذا برای شناخت عمیق‌تر ویژگی‌های مهاجرت در کشور، لازم است تحقیقات آینده در راستای خलाهای مطالعاتی زیر باشند:

- از مهمترین موارد قابل اشاره، کمبود مطالعات تکنیکی و بهره‌گیری از شاخص‌ها و سنجه‌های جدید معرفی شده در حوزه مهاجرت داخلی است که باید در مطالعات پیش‌رو، بیشتر مورد توجه قرار گیرد.
- ارزیابی و تصحیح و تعدیل داده‌های مهاجرت از مهمترین موضوعاتی است که کمتر بدان پرداخته شده است.
- نادیده گرفتن تجلی‌های فضایی مهاجرت داخلی در سطح کلان، از خلاهای پژوهشی است که در ادبیات مهاجرت کشور به چشم می‌خورد. با توجه به جریان مهاجرت و تغییر الگوهای سکونت در کشور، از مسائل مهمی که در مهاجرت‌های داخلی مطرح است، بحث مسیرهای مهاجرتی است. با توجه به تجربه کشورهای توسعه‌یافته در گذار مسیرهای مهاجرتی و ایجاد الگوهای متفاوتی نسبت به دهه‌های گذشته (ریس و دیگران، ۲۰۱۶)، بررسی شرایط الگوی مهاجرت داخلی با تکیه بر شاخص‌های جدید مطرح شده، در ارائه روند آتی این الگوها متمرکز بوده و امکان برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای و ملی را فراهم می‌آورد.
- بنابر ذات و ماهیت مهاجرت، هم‌زمان دو منطقه مبدأ و مقصد تحت تأثیر قرار می‌گیرد. توجه صرف به مقصد مهاجرت در کلانشهرهای کشور، موجب غفلت از مناطق مهاجرفرستی مانند کرمانشاه، سیستان و بلوچستان، چهارمحال و بختیاری و ... شده است درحالی‌که این مناطق نیز تحت تأثیر از دست دادن جمعیت، در معرض مشکلات جمعیتی، اقتصادی زیادی قرار دارند که باید در مطالعات مورد توجه قرار گیرند.
- تعداد مطالعات مبتنی بر روش کیفی در ادبیات مهاجرت داخلی بسیار اندک است.
- بررسی تأثیر سیاست‌ها، حتی سیاست‌هایی که به نظر نمی‌رسد مستقیماً با مهاجرت ارتباط داشته باشد، مورد توجه مطالعات نبوده است.
- مطالعات اندک در زمینه مقایسه‌های بین‌المللی مهاجرت وجود دارد. این درحالی است که در سالیان اخیر شاخص‌های خلاصه‌کننده خوبی در این زمینه معرفی شده است که امکان مقایسه جریان‌های مهاجرتی کشور را با سطح بین‌المللی فراهم کرده است.

- افزایش مهاجرت زنان در کشور و به طور کلی زیر گروه‌های جمعیتی و خلأ مطالعاتی در این زمینه، لزوم توجه به این موضوعات را نشان می‌دهد.
- عدم وجود پیش‌بینی‌های علمی و موثق در مورد مهاجرت‌های داخلی در کشور یکی دیگر از خلاهای پژوهشی در حوزه مهاجرت‌های داخلی در کشور است.

منابع

- ارشاد، فرهنگ، و صدف مینا (۱۳۸۹)، مهاجرت، نابرابری و پیامدهای آن، *تحلیل اجتماعی: نظم و نابرابری اجتماعی*، شماره ۱، صص ۹۲-۵۹.
- افراخته، حسن، و اسماعیل آقایی‌زاده (۱۳۹۰)، مهاجرت روستایی در ایران و استیلای عوامل رکودی نمونه موردی - شهرستان بندرانزلی، *مسکن و محیط روستا*، شماره ۱۳۳، صص: ۸۴-۷۱.
- ایراندوست، کیومرث، محمدحسین بوجانی، روح‌الله تولایی (۱۳۹۲)، تحلیل دگرگونی الگوی مهاجرت داخلی کشور با تأکید بر مهاجرت‌های شهری. *مطالعات شهری*، دوره ۲، شماره ۶، صص ۱۱۸-۱۰۵.
- باستانی، سوسن، و منیره ساعی‌مهر (۱۳۸۶)، سرمایه اجتماعی و مهاجرت و استقرار در شهرهای بزرگ، مورد شهر تبریز، *جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۸، شماره ۱، صص: ۱۶۷-۱۳۶.
- بیگ‌محمدی، حسن (۱۳۷۷)، عنوان روند مهاجرت در استان اصفهان، *اطلاعات جغرافیایی*، دوره ۸، شماره ۳۲، صص: ۶۴-۵۷.
- بیگ‌محمدی، حسن، و مجتبی حاتمی (۱۳۸۹)، تحلیل جغرافیایی روند مهاجرت در استان آذربایجان شرقی (۸۵-۱۳۶۵)، *آمایش محیط*، شماره ۱۰، صص ۴۲-۲۳.
- بیگ‌محمدی، حسن، و رضا مختاری ملک‌آبادی (۱۳۸۳)، تحلیلی جغرافیایی بر روند مهاجرت در استان خوزستان، *جغرافیا و توسعه*، دوره ۱، شماره ۲، صص: ۳۶-۲۱.
- بیگ‌محمدی، حسن و بهنام مغانی (۱۳۸۲)، تحلیلی بر روند مهاجرت در استان فارس، *فصلنامه جمعیت*، شماره ۴۳ و ۴۴، صص ۹۴-۷۹.

- پناهی، لیلا، و حمداله پیشرو (۱۳۹۰)، بررسی عوامل مؤثر بر مهاجرت جوانان روستایی به شهر مطالعه موردی: روستاهای بنخ مرکزی شهرستان مرودشت، *برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، دوره ۱، شماره ۲، صص: ۴۱-۵۰.
- تنها، فاطمه، و علی گلی (۱۳۹۲)، بررسی روند مهاجرت‌های بین استانی ایران در سه دهه اخیر (سرشماری ۱۳۹۰-۱۳۶۵)، *فصلنامه جمعیت*، شماره ۸۵ و ۸۶، صص: ۵۷-۷۸.
- رمضانی‌اسفدن، اسدالله (۱۳۸۹)، بررسی عوامل مؤثر بر مهاجرت‌های روستایی؛ مطالعه موردی: دهستان شاسکوه شهرستان قاینات، *مطالعات فرهنگی خراسان*، شماره ۱۷ و ۱۸، صص: ۳۸-۶۶.
- زاهدی‌مازندرانی، محمدجواد، محمدرضا حسینی کازرونی و کریم درویشی (۱۳۶۶)، پویای مهاجرت در جهان معاصر، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۱۳، دوره آبان.
- زنجانی، حبیب اله و زرین تاج علیزاده آهی (۱۳۷۲)، بررسی مهاجرت در مطالعات تحول جمعیت ایران، *فصلنامه جمعیت*، شماره ۵ و ۶، صص: ۵۹-۶۸.
- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰)، *مهاجرت*، تهران، انتشارات سمت.
- شهبازین، سعیده، عباس عسکری‌ندوشن، محمدجلال عباسی شوازی (۱۳۹۷)، نقش مهاجرت داخلی بر بازتوزیع جمعیت کشور: دوره زمانی ۱۳۹۵-۱۳۷۰. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، شماره ۲۵، صص: ۳۳-۶۶.
- شهبازین، سعیده، محمدجلال عباسی شوازی، عباس عسکری‌ندوشن (۱۳۹۶)، تغییرات الگوهای سکونتی ایران با تأکید بر مهاجرت داخلی طی دوره ۹۵-۱۳۷۰، *مطالعات جمعیتی*، دوره ۳، شماره ۲، ۱۵۳-۱۸۸.
- صادقی، رسول، و محسن شکرایی (۱۳۹۵)، تحلیل نوسانات فضایی تأثیر توسعه بر مهاجرت داخلی بین شهرستانی در ایران، *توسعه محلی*، دوره ۸، شماره ۲، ۲۴۵-۲۷۰.
- صرافی، مظفر (۱۳۸۱)، مهاجرت داخلی و مسئله مدیریت شهری با تأکید بر شرایط ایران، *مدیریت شهری*، شماره ۱۰، صص ۶-۱۵.
- طالب، مهدی (۱۳۶۸)، عوامل مؤثر در مهاجرت روستایی در ایران، *رشد آموزش علوم اجتماعی*، شماره ۲، صص: ۱۴-۲۰.

- طاهرخانی، مهدی (۱۳۸۰)، تحلیلی بر عوامل مؤثر بر مهاجرت‌های روستایی- شهری، *تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۶۲، صص ۶۷-۹۳.
- عزیزاده محمد، و کاظم کازرونی (۱۳۶۳)، *مهاجرت و شهرنشینی در ایران*، سازمان برنامه‌بودجه.
- قاسمی‌اردستانی، علی (۱۳۸۵). بررسی علل مهاجرت روستاییان به شهرها در ایران با فراتحلیل پایان نامه‌های تحصیلی (مقطع زمانی ۸۳-۱۳۵۹)؛ *روستا و توسعه*، شماره ۳۳، صص ۸۰-۵۱.
- قاسمی‌سیانی، محمد (۱۳۸۸)، پیامدهای مهاجرت روستا-شهری نسل جوانان روستایی، مجله پژوهش جوانان، *فرهنگ و جامعه*، شماره ۲، صص: ۱۶۵-۱۴۵.
- قرخلو، مهدی (۱۳۷۸)، روند مهاجرت در توسعه شهرکهای قشقایی نشین در اطراف شهرهای استان فارس و اصفهان، *پژوهش‌های جغرافیایی*، دوره ۳۷، شماره ۰، صص: ۴۸-۳۵.
- کاظمی‌پور، شهلا، و علی قاسمی‌اردهایی (۱۳۸۶)، تجربه اقامتی و تمایل به مهاجرت به شهر تهران، نامه انجمن جمعیت‌شناسی تهران، دوره ۲، شماره ۳، صص: ۱۴۸-۱۳۰.
- کشاورز، مرضیه، عزت‌اله کرمی، عبدالعلی لهسایی‌زاده (۱۳۹۲)، عوامل اثرگذار بر مهاجرت روستایی ناشی از خشکسالی: یک مطالعه موردی در استان فارس، *روستا و توسعه*، دوره ۱۶، شماره ۱، صص: ۱۲۷-۱۱۳.
- محمودیان، حسین، و علی قاسمی‌اردهایی (۱۳۹۱)، شبکه‌های اجتماعی مهاجران و بازتولید فرهنگ مهاجرت در مناطق روستایی: مطالعه ای کیفی بر جریان‌های مهاجرت از آذربایجان شرقی به تهران، *توسعه محلی*، دوره ۴، شماره ۱، صص: ۱۲۸-۱۰۹.
- محمودیان، حسین، و علی قاسمی‌اردهایی (۱۳۹۲)، *بررسی وضعیت مهاجرت و شهرنشینی در ایران*، گزارش صندوق جمعیت سازمان ملل متحد، دانشکده علوم اجتماعی تهران.
- مشفق، محمود (۱۳۸۹)، مهاجرت داخلی در ایران: بررسی سطوح و روندهای مهاجرت داخلی در ایران و عوامل مؤثر بر آن ۸۵-۱۳۵۵. *پایان‌نامه دکتری جمعیت‌شناسی*. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
- Arksey, H., & O'Malley, L. (2005). Scoping studies: towards a methodological framework. *International Journal of Social Research Methodology*, 8(1), 19-32.
- Castles, S; Miller, M (2003) *The Age of Migration*, 3rd edition MacMillan, London.
- Cliggett, L. (2000). Social components of migration: experiences from Southern Province, Zambia. *Human Organization*, 59(1), 125-135.

- Greenwood, M. J. (1997). Internal migration in developed countries. *Handbook of population and family economics, 1*, 647-720.
- Levac, D., Colquhoun, H., & O'Brien, K. K. (2010). Scoping studies: advancing the methodology. *Implementation science, 5*(1), 1-9.
- Ness, I. (2012). *The global prehistory of human migration*. John Wiley & Sons.
- Ravenstein, Ernest G. (1885). "The Laws of Migration." *Journal of the Royal Statistical Society* 48: 167-227.
- Rogers, A., Castro, L (1981). *Model Migration Schedules*. Luxemburg: International Institute for Applied Systems Analysis.
- Rumrill, P. D., Fitzgerald, S. M., & Merchant, W. R. (2010). Using scoping literature reviews as a means of understanding and interpreting existing literature. *Work (Reading, Mass.)*, 35(3), 399-404.
- Wagman, P., Håkansson, C., & Jonsson, H. (2015). Occupational balance: A scoping review of current research and identified knowledge gaps. *Journal of Occupational Sciences*, 22(2), 160-169.



Review Article ■

Internal Migration Research in Iran: A Scoping Review

Saeedeh Shahbazin¹, Rasoul Sadeghi^{*2}, Maryam Rezaei³

Abstract Numerous studies in recent decades have examined the dimensions and consequences of internal migration in Iran. Using a scoping review and Arksey and O'Malley methodological framework, this article examines studies of internal migration in the last three decades to provide a comprehensive picture of the characteristics, dimensions, determinants and consequences of internal migration in Iran. The results indicate the dominance of quantitative methods and survey data in internal migration studies. More than half of studies focused on rural-urban migration and about one-fifth on migration flows and its consequences to Tehran province. Also, according to the results, more than 52% of studies examined determinants of internal migration, 31% various consequences of migration at the origin and destination, 13% internal migration trends and patterns and finally, 3% demographic characteristics of migrants. In addition, the results showed that unequal development, centralization of economic and educational facilities and opportunities, climate change, income disparities, job acquisition and social networks are among the most important factors underlying internal migration in Iran. However, the field of internal migration in the country needs using new indicators and criteria for international comparisons, addressing the emerging dimensions and patterns of migration and using the methodology of qualitative studies.

Keywords Internal migration, scoping review, migration patterns, causes of migration, Arksey and O'Malley framework

Received: 2021.09.25

Accepted: 2022.03.05

1 Assistant Professor of Demography, Department of Spatial Distribution, Migration and Urbanization, National Institute of Population Research (NIPR), saeedehshahbazin2@gmail.com

2 Associate Professor of Demography University of Tehran, and National Institute of Population Research (NIPR) (Corresponding Author), rassadeghi@ut.ac.ir

3 PhD Candidate in Demography, University of Tehran, maryrezaei92@gmail.com

DOI: <https://dx.doi.org/10.22034/jpai.2022.539684.1200>